

از تخریب محیط زیست تا کشتار گسترده پرندگان مهاجر در شمال ایران در گفت و گو با محمدرضا زمانی در مزاری

# مرگ مهاجران، معاش بومیان

رعایت نکردن حقوق حیوانات موجب تعقیب بین‌المللی ایران به دلیل نقض تعهدات خود خواهد شد

شهرود حقوقی | مهاجرت سالانه پرندگان مهاجر به مازندران و شمال ایران و تکرار سالانه و مستمر «سناریوی کشتار بی‌رحمانه و غیرقانونی گونه‌های جانوری مهم، در معرض خطر و انقراض»، همراه با تخریب محیط زیست و تعرض مکرر به میراث طبیعی ملی و بین‌المللی در تالاب‌های بین‌المللی منطقه، پدیده نام‌آشنایی است.

پرندگان مهاجر با نسل‌کشی، شکار بی‌رویه، پهن کردن تورهای هواپیما و دام‌گذاری‌های گسترده، هر ساله قربانی سودجویی‌های عاملان کشتار و تجارت پرندگان مهاجر به شمال کشور و عدم‌مدیریت کارآمد مناسب و موثر در حفظ حقوق محیط زیست و حیات‌وحش ایران می‌شوند و آخرین مهاجرت آنها به ایران نیز به دستاورد بی‌توجهی به هشدارها و اعتراضات مکرر کارشناسان، حقوقدانان و فعالان حقوق حیوانات و محیط زیست و تداوم تخریب محیط زیست و کشتار گسترده پرندگان مهاجر در شمال ایران بوده و مستوجب مسئولیت قانونی و بین‌المللی نیز خواهد بود. برون‌رفت از این وضع ناگوار، نیازمند عزم جدی ملی و بین‌المللی برای حفظ حقوق حیوانات و حیات‌وحش است. در همین رابطه، گفت‌وگویی با محمدرضا زمانی در مزاری (فرهنگ)، وکیل پایه یک دادگستری و فعال حقوق شهروندی و حقوق محیط زیست انجام داده‌ایم که از نظر تان می‌گذرد.

**در آغاز، لطفاً تعریفی از حقوق حیوانات و وضع آنها در ایران ارایه می‌کنید؟**

حیوانات، بخشی از جامعه طبیعی و زیست‌محیطی را تشکیل می‌دهند و در برقراری توازن در نظام طبیعت، نقش موثر و غیرقابل انکاری دارند. حیوانات مانند انسان‌ها از حقوق خاصی خویش مانند حق حیات، درمان، آرامش، زیست جمعی، پرهیز از هر نوع خشونت و هرگونه نسل‌کشی، حق استفاده از حیات‌وحش و مانند آنها برخوردارند و هرگونه تعدی و تفریط نسبت به آنها یا حقوق شان، به منزله نقض حقوق آنان محسوب شده و ضروری است مستوجب مسئولیت باشد.

نظام حقوقی حیوانات در ایران و جهان نسوم، برخلاف جوامع پیشرفته و کنوانسیون‌های بین‌المللی گسترده، متعدد و آغاز تحول و توجه خویش را نسبت به آنها گذرانده و قوانین و قواعد موضوعه مقرر در این نظام نسبت به حقوق حیوانات، رضایت‌بخش نبوده و تضمین‌کننده حقوق طبیعی و قانونی آنها نیست. همین مهم، یعنی نبود نظام حقوقی و تقنینی مناسب و وجود خالدهای قانون‌گذاری‌های موجود، همراه با فرآیند مستمر مقامات محیط زیست نسبت به وضع حقوق حیوانات و در نتیجه فقدان نظام تضمینات حقوقی و قانونی موثر و همه‌جانبه، موجبات سوءاستفاده هرچه بیشتر جامعه انسانی را نسبت به آنها فراهم آورد و گویی، اعمال هر نوع خشونت و بی‌مهری نسبت به حیات حیوانات، طبیعی تلقی شده و در عمل نیز مجاز به شمار می‌رود.

**سبب‌باقانون‌گذاری‌نسیبیت به حقوق حیوانات در ایران چگونه است؟**

اقدامات متفن در زمینه حقوق حیات‌وحش و محیط زیست مرتبط با آن بسیار محدود و نوعاً به موارد ذیل بوده است:

- ۱- مقررات مقرر در قانون مدنی ایران
- ۲- قوانین شکار مصوب ۱۳۳۵، شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ (همراه با اصلاحات بعدی آن)
- ۳- اصل پنجاهم قانون اساسی از حیث نقش و جایگاه محیط زیست و مسئولیت عمومی در حفظ و حراست از آن
- ۴- قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی، مصوب ۱۳۷۴ ش
- ۵- قانون مجازات اسلامی (مواد ۲۰۲ تا ۲۰۵، ۳۵۷ تا ۳۶۲، ۶۷۹ و ۶۸۰) درباره جرایم انلاف حیوانات؛ ضمان خسارت‌های حیوان و دیه جنایت بر حیوان
- ۶- مصوبه جدید شورای عالی حفاظت از محیط زیست در مورد تعیین نهایی پروانه شکار و صید و بهای جانوران وحشی
- ۷- تعهدات بین‌المللی دولت ایران در قالب کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوطه

**وضعیت تعهدات بین‌المللی دولت ایران در حوزه حقوق محیط زیست و حیوانات چگونه است؟ آیا تخریب محیط زیست و نسل‌کشی پرندگان مهاجر در معرض خطر و انقراض در شمال ایران می‌تواند مستوجب مسئولیت بین‌المللی دولت ایران شود؟**

دولت ایران با پیوستن به برخی از کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به گونه‌های جانوری و گیاهی، برابر موازین حقوقی و بین‌المللی، متعهد به رعایت الزامات حقوقی و بین‌المللی مقرر بوده و عدول از آنها و عدم رعایت نظامات حقوقی بین‌المللی مربوطه، موجب مسئولیت بین‌المللی دولت ایران نیز می‌تواند باشد.

در سال‌های اخیر، تعرض به حیات‌وحش و محیط زیست منطقه، تخریب پیدا و پنهان منابع

طبیعی و زیست‌محیطی شمال کشور و تحمیل هزینه‌ها و آسیب‌های جدی و غیرقابل جبران بر حیات تالاب‌های بین‌المللی آن و حیات‌وحش حیوانات، همراه با شکار بی‌رویه و مخرب گونه‌های جانوری مهاجر از سوی شکارچیان غیرمجاز و برخی از بومیان و «سوداگران طبیعت و پرندگان مهاجر»، به اشکال مختلف وجود داشته و در نتیجه، از بین رفتن مستمر و فزاینده پرندگان در معرض خطر یا در حال انقراض؛ واقعیت تأسف‌بار بومی، ملی و بین‌المللی بوده که نیازمند تدبیری فوری، موثر و مناسب از سوی قوای سه‌گانه و سازمان‌ها و نهادهای مربوطه و نیز پیشگیری از ادامه هر نوع تعرض نسبت به حیات‌وحش حیوانات و رعایت و تضمین حقوق حیوانات و تعقیب جدی تعهدات بین‌المللی ایران در کنوانسیون‌های متعدد گونه‌های جانوری است.

بدیهی است؛ هرگونه بی‌توجهی از سوی دولت و دوایر دولتی و قانونی مربوطه نسبت به تداوم روند فزاینده تخریب محیط زیست و حیات‌وحش کشور و عدم تعقیب قانونی موثر مرتکبان آنها و شکارچیان غیرمجاز منطقه‌ای و خارج از آن، موجب از بین رفتن زود هنگام تمامی گونه‌های جانوری وحشی در معرض خطر و انقراض خواهد شد. این امر نیز در نهایت سبب‌ساز خروج ایران از دارندگان تالاب‌های بین‌المللی مزبور و دارندگان گونه‌های وحشی منحصراً و مهاجر شده و در صورت بروز و تحقق ارکان مربوط به اعمال متخلفانه بین‌المللی و زیست‌محیطی، دولت نیز سبب بروز مسئولیت بین‌المللی دولت ایران خواهد شد. در چنین وضعیتی، با از بین رفتن زیستگاه‌های حیات‌وحش و امن پرندگان و بازدارنده نبودن نظامات حقوقی و اقدامات دولتی مربوطه، تقابل متعارف بین اهالی بومی، شکارچیان، محیط‌بانان و مسئولان حفاظت محیط زیست و تالاب‌های بین‌المللی مزبور نیز امری عادی و روزمره خواهد بود.

**ما با خلأ قانونی روبه‌رو هستیم یا در اجرای قوانین و برخورد با متخلفان ضعف وجود دارد؟**

صرفنظر از خلأهای قانونی موجود در قوانین نسبت به نظام حقوقی حیوانات و باوجود لزوم تدوین و تصویب «نظام جامع حقوق حیوانات» در چارچوب اصول و هنجارهای بین‌المللی مربوط به حفاظت از محیط زیست و گونه‌های جانوری حیات‌وحش و نیز در راستای تعهدات بین‌المللی دولت ایران در کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوطه و تضمین کامل رعایت حقوق حیوانات و حیات‌وحش

در ایران از سوی دولت، نمی‌توان و نباید به بهانه مزبور و تساقیل از حصول به نتایج نهایی تصویب قانون مذکور، دست روی دست گذاشت و شاهد تخریب روزافزون میراث طبیعی و زیست‌محیطی منطقه و از بین رفتن مستمر گونه‌های جانوری در حال انقراض و خطر و آسیب‌های فزاینده و غیرقابل جبران به حیات‌وحش ایران و پرندگان مهاجر مزبور که از زمره میراث طبیعی جهانی و بین‌المللی نیز به شمار می‌روند، بود.

**مواضع سازمان حفاظت از محیط زیست در این باره چیست؟**

با بررسی اخبار و گزارشات منتشره دو رویکرد عمده در حوزه حقوق حیوانات از سوی مقامات سازمان حفاظت از محیط زیست مشهود است: از یک‌سو، سازمان مزبور خود را به موجب موازین حقوقی و قانونی مربوطه، متولی حفاظت از محیط زیست و حیات‌وحش

ایران، با وجود کارنامه ضعیف آن سازمان در این باره و وضع موصوف می‌داند و از سوی دیگر، باوجود صیدشده در فریدونکنار و نواحی اطراف، ناشی به حیوانات اهلی و غیروحشی، بسا وجود دخالت عملی مکرر در وضع آنها، مانند موضوع «سگ‌کشی در شیراز»، «حیوان آزاری در کلاله گلستان» و مانند آنها، دارای نقشی متفاوت و متعارض با مراتب

مزبور است و در عین حال، بر تدوین لایحه حمایت از حقوق حیوانات، به ترتیب مطروحه از سوی حقوقدانان و فعالان حقوق حیوانات نیز در ظاهر تأکید دارد. با این وجود، دکتر ابتکار در یادداشت منتشره‌ای در صفحه فیس‌بوک خود نیز، ضمن اذعان به مراتب یاد شده و اظهار تأسف از وضع موصوف و ناتوانی سازمان حفاظت از محیط زیست

در برخورد با وضع مزبور، بر لزوم اقدام جدی و موثر از سوی مسئولان منطقه‌ای و کشوری، به منظور نجات حیات‌وحش منطقه و تعرضات غیرقانونی به تالاب بین‌المللی فریدونکنار و مانند آن تأکید داشته است.

**رابطه کشتار گسترده پرندگان مهاجر در مازندران و معیشت مردم شمال ایران چگونه قابل ارزیابی است؟**

باید دغدغه‌های معیشت، اقتصاد و اشتغال سنتی و متعارف اهالی بومی و محلی منطقه را جدی گرفت و نسبت

بدان‌هایی تفاوت نبود. بخشی از واقعیت بازار گرم شکار غیرمجاز و تجارت پرندگان مهاجر و صیدشده در فریدونکنار و نواحی اطراف، ناشی از وضع تأسف‌بار اشتغال، بیکاری و عدم توانایی مالی مناسب مردم محلی بوده که بر خورد و تقابیل محیط‌بانان خردوم با حداقل امکانات و مزایای قانونی مربوطه با اهالی مزبور، به ترتیب



عسل خیرآباد، مازندران

تقویت نظام قضائی و دادرسی در حوزه حقوق حیوانات امری اجتناب‌ناپذیر است و در این راستا ضرورت ورود دادستان کل کشور و دادستان‌ها و مقامات قضائی منطقه‌ای در شمال ایران جهت پیشگیری، جلوگیری و تعقیب قانونی، مستمر و موثر مراتب و نظارت بر اجرای قوانین مرتبط در این‌باره و در پرونده‌های حقوقی مطروحه و مربوطه و عدم توجه به مراتب نیز می‌تواند یکی از مخاطرات پیش روی وضع مزبور باشد.

**در پایان، توصیه و پیشنهاد شما در خصوص حفظ روزافزون حقوق محیط زیست و حیوانات در ایران چیست؟**

حفاظت از محیط زیست جهانی و نظام توسعه را باید به عنوان یک واحد مشترک در جهان و ایران پذیرفت و بر اهمیت و مراقبت از آن تأکید جدی و همیشگی داشت. باید «کره‌زمین را به عنوان وطن خویش» تلقی کرد و جهانی پاک و به دور از هرگونه تخریب یا آسیب نسبت بدان برای همه و حتی حیات‌وحش و حیوانات، در تمامی تصمیمات و مصوبات دولتی و غیردولتی مد نظر باشد و بدان مهم تأکید کرد. پیامدهای هرگونه بی‌توجهی نسبت به این موضوع، از آثار بی‌رویه تخریب محیط زیست و حیات‌وحش نیز کمتر نخواهد بود. باید دانست و دریافت که «...جانوران وحشی در اشکال بی‌شمارشان، بخش غیرقابل جایگزین سیستم طبیعی کره‌زمین را تشکیل می‌دهند که باید برای سعادت بشریت حفظ شوند... باید با آگاهی از ارزش در حال رشد جانوران وحشی از نقطه نظر زیست‌محیطی، بوم‌شناسی، نسل‌شناسی، علمی، زیبایی‌شناسی، تفریحی، فرهنگی، آموزشی، اجتماعی و اقتصادی و...» در جهت حفظ حقوق حیات‌وحش و محیط زیست تلاش کرد.

باید امروز، «فاجعه نسل‌کشی پرندگان مهاجر در فهرست حمایت و حفاظت ملی و جهانی» را درک و درمان کرد و دانست و دریافت که فردا در است. نجات محیط زیست و حیات‌وحش تأسف‌بار بوده و در شرف نابودی کامل آن نیازمند عزمی ملی و بین‌المللی و اراده جدی، فوری، موثر و همه‌جانبه قوای سه‌گانه و مسئولان کشور و همکاری و همکاری مستمر مردم، شهروندان، کارشناسان و سمن‌های ذیربط است و الا باید بسان سرنوشت «شیر ایرانی و ببر مازندران»، هزاران آه و تأسف و آثار خورد که چرا با نسل منقرض شده و در شرف انقراض و غیرقابل جایگزین آنها مانند بسیاری دیگر از گونه‌های جانوری ارزشمند مورد توجه جهانی و حمایت‌های بین‌المللی مواجه شده‌ایم.

باید، چشمان را شست و طریخی نور در انداخت؛ تنگ‌ها قلاف شده، اندیشه‌ها تبلور یافته، نواها به صدا درآیند، قوانین بروز و موثر شده، نظام اجرایی و مدیریتی حفاظت از محیط زیست و حیات‌وحش منطقه و زیست‌محیطی تقویت شده، محیط‌بانان و فعالان محیط زیست و حقوق حیوانات، مورد حمایت گسترده قرار گرفته و با مهر و احترام با طبیعت و حیات‌وحش برخورد کرد و حقوق ذاتی و طبیعی آنها محترم شمرد.

باید دانست؛ هرگونه بی‌توجهی، بی‌احترامی و تخریب محیط زیست و کوتاهی در حفاظت و مراقبت درست و همه‌جانبه از آن و گونه‌های گیاهی و جانوری موجود در آن و بی‌توجهی به حقوق محیط زیست و حیوانات، به معنای نقض آشکار قانون طبیعت، قوانین مرتبط با حقوق بشر و محیط زیست و توهین و تجاوز نسبت به بشریت و موثر در این رابطه در سه‌فعل اصلی نظام آموزشی نسبت به گونه‌های جانوری و گیاهی مزبور باید تلقی شده و مورد برخورد جدی و حقوقی قرار گیرد. ضروری است؛ آموزش و اطلاع‌رسانی مستمر و موثر در این رابطه در سه‌فعل اصلی نظام آموزشی دانش آموزان، دانشجویان و «فرهنگ‌سازی حقوق محیط زیست، حقوق حیوانات و حقوق شهروندی» نسبت به عموم شهروندان و مسئولان در رسانه‌ها و مراجع علم، فرهنگی، دانشگاهی، مدیریتی و تقنینی کشور قرار گیرد و بر آموزش، نظارت، حفظ و اجرای همه‌جانبه حقوق محیط زیست و حیوانات و تضمین رعایت آنها نیز در جامعه تأکید شود. آموزش و فرهنگ‌سازی گسترده، مستمر و همه‌جانبه نسبت به محیط زیست و حقوق حیوانات در کنار حقوق شهروندی مردم، تدوین و تصویب «نظام جامع حقوق حیوانات»، تعامل مستمر و دوجانبه بین گروه‌های مردم‌نهاد، فعالان محیط زیست و دیده‌بان حقوق حیوانات و برطرف کردن خلأها و نارسایی‌های مشهود و متعدد موجود در نظام حقوقی و تقنینی مربوط به محیط زیست و حقوق حیوانات، همراه با ایجاد مدیریتی هماهنگ و کارآمد در حوزه‌های مزبور، در راستای توسعه پایدار منطقه و کشور و حفاظت از حقوق محیط زیست و حیات‌وحش مازندران و ایران، دستاوردهای غیرقابل انکار و مهمی را نسبت به حقوق محیط زیست و حقوق حیوانات با خود به همراه خواهد داشت و الا، ماحصل صحبت، تکرار مکررات خواهد بود و صِدالت‌خود کرده را نیز تدبیر نیست!

مندرچ در یادداشت دکتر ابتکار و برخی از فعالان محیط زیست و حیات‌وحش کشور، چاره کار نخواهد بود و نیازمند آسیب‌شناسی توامان و همه‌جانبه دولت نسبت به وضع تأسف‌بار میراث طبیعی و زیست‌محیطی منطقه، حیات‌وحش آن و نیز وضع معاش و رفود کار و اشتغال و عدم درآمد مناسب بسیاری از اهالی بومی و در نتیجه، حقوق متکسبه عرفی و طبیعی آنها بر اراضی و مناطق تحت‌مالکیت خویش و لزوم فراهم آوردن موجبات رونق اقتصادی، طبیعی و اجتماعی در آن منطقه است.

بومیان منطقه و اهالی مجاور اراضی و تالاب‌های بین‌المللی محل مهاجرت و استقرار پرندگان مهاجر مزبور، بیش از هر کسی، حق برخورداری از طبیعت و زیبایی‌های مناطق اطراف خویش را جدای از مالکیت آنها نسبت به اراضی و زمین‌های مورد کشت و کار خویش از حیث حقوقی و قانونی دارند و نباید از این موهبت الهی و طبیعی و حقوق قانونی و متکسبه خویش نیز محروم بمانند، اما به هیچ وجه نیز مجاز به تخریب و تعرض غیرقانونی نسبت به آن و تهدید حیات‌وحش منطقه و گونه‌های پرندگان مهاجر آن نخواهند بود. ضروری است با فرهنگ‌سازی و آموزش علمی، موثر و کارشناسی شده، زمینه افزایش آگاهی آنها را نسبت به اهمیت و جایگاه زیستگاه‌های حیات‌وحش منطقه و محیط زیست آن فراهم آورد و با استفاده از ظرفیت‌های طبیعی، زیست‌محیطی و بومی منطقه، موجبات ایجاد فرصت‌های شغلی و معیشتی جایگزین و مستمر را برای آنها و فرزندان‌شان در منطقه فراهم کرد.

**آموزش و فرهنگ‌سازی گردشگری و تأسیس زیرساخت‌های آن و ترویج توریسم پرندنگری در منطقه با جلب همکاری اهالی بومی و ایجاد فرصت‌های درآمدی حاصل از خدمات رفاهی و پشتیبانی گردشگری مزبور برای آنها، زمینه مناسب و سودمندی برای برقراری تعامل مشترک بین مردم و دولت در فریدونکنار و دیگر نواحی مجاور تالاب‌های بین‌المللی شمال کشور است، به‌گونه‌ای که بومیان منطقه‌ای، خود حامیان پرندگان مهاجر نواحی آنی آنها و «همیار حیات‌وحش و محیط زیست» خواهند بود. این تدبیر، دیسر نخواهد بود، والا؛ فردا، چه زود، دیر می‌شود...!**

**با توجه به حجم بالای شکار پرندگان مهاجر و ظلیقه دادستانی در این رابطه چیست؟**

